

انتفای عقد به سبب عدم امکان اجرای موضوع آن در حقوق ایران و فرانسه

سیدعباس موسوی*، اکبر اصانلو**

چکیده

هرچند هدف طرفین قرارداد؛ ظهور نتایج آن است و اصول حقوقی، متضمن ثبات و تحقق قرارداد صحیح و معتبر است، اما پس از انعقاد عقد، ممکن است رخدادهای گوناگون خارج از رفتار طرفین یا طبیعت موضوع، موجب عدم امکان اجرای آن گردد. عدم امکان اجرا در فروض گوناگون می‌تواند حادث گردد؛ تلف مادی موضوع عقد، غیرقانونی شدن آن یا مربوط به از بین رفتن شیء آینده باشد. قانون مدنی ایران و فرانسه در فروض مختلف عدم امکان اجرای قرارداد به خاطر از بین رفتن موضوع آن، سرنوشت رابطه حقوقی را به نحو روشنی اعلام ننموده‌اند. انفساخ، انتفای قرارداد، بطلان، فسخ قهقرائی و فسخ قضایی اوصاف مختلفی است که در این خصوص مطرح می‌شود. این به هم ریختگی هم در رویه قضایی و هم نظریات دکترین مشهود است. با روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و با مطالعه در رویه قضایی و دکترین، این نتیجه حاصل شد که در بازنگری ۲۰۱۶ حقوق قراردادهای فرانسه نهادی به نام «انتفای عقد» (caducité) وضع شد که می‌تواند این به هم ریختگی‌ها را سامان بخشد. آن ضمانت اجرای عقدهای است که به صورت معتبر منعقد شده، و در پی رویدادی لاحق، یکی از «عناصر اساسی» خویش را از دست می‌دهد. یکی از عناصر اساسی در عقد، موضوع آن است که با از بین رفتن آن امکان اجرای عقد غیرممکن می‌گردد، در نتیجه عقد به صورت خود به خود و عدم قهقرایی منتفی می‌شود. این تجربه می‌تواند برای قانون‌گذار ایران هم الهام‌بخش باشد تا ضمن دسته‌بندی صحیح موجبات عدم امکان اجرای قرارداد به خاطر از بین رفتن موضوع آن، رویه قضایی

* دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران جنوب)، تهران، ایران
amousavi50@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه استراسبورگ، استراسبورگ، فرانسه
osanlu24@gmail.com

را در مواجهه با قراردادی که موضوع آن از بین رفته است، دلالت بهتر نماید. **واژگان کلیدی:** از بین رفتن موضوع، انتفای عقد، انفساخ، تقصیر، عدم امکان اجرا، مال آینده، وحدت مطلوب

مقدمه

در عمل فراوان اتفاق می‌افتد که پس از تشکیل عقد، به دلیل از بین رفتن موضوع آن، اجرای قرارداد غیرممکن شود. از این رو، برخی از عناصر اساسی که برای تشکیل عقد ضروری هستند، برای بقاء و اجرای آن هم ضرورت دارند. از جمله این عناصر، می‌توان به «موضوع عقد یا تعهد» اشاره نمود. اگر موضوع معامله یا تعهد، پس از تشکیل عقد، بدون تقصیر طرفین و خارج از اراده آن‌ها از بین برود، قرارداد منتفی می‌شود. از نظر برخی نویسندگان «اگرچه وجود رضاء فقط [...] هنگام انعقاد عقد لازم است، اما وجود موضوع در طی تمام مراحل اجراء ضرورت دارد و از بین رفتن آن موجب انتفای عقد می‌شود» (Mousseron et Seube, 1973: 197). بدین سان، موضوع تعهد مهم‌ترین رکن رابطه حقوقی بوده، که با از بین رفتن آن تعهد ساقط می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۵ [الف]: ۵۴۲). از آنجا که تلف موضوع می‌تواند یکی از اسباب سقوط تعهدات و انتفای قرارداد باشد، قانون مدنی ما از این جهت ناقص بوده و دکترین اضافه شدن تلف مورد تعهد را به اسباب سقوط تعهدات، پیشنهاد داده‌اند (شهیدی، ۱۳۹۷: ۱۹).

قانون مدنی فرانسه، سرفصلی را به عدم امکان اجرا اختصاص داده است که شامل مواد ۱۳۵۱ و ۱۳۵۱-۱ است.^۱ ماده اخیر مقرر می‌دارد «در صورتی که عدم امکان اجراء ناشی از تلف شیء مورد تعهد باشد، اگر متعهد ثابت کند که، چنانچه تعهد اجراء هم شده بود، تلف رخ می‌داد، [...]، بری می‌شود». قانون مدنی ایران، مبحثی را به عدم امکان اجرای عقد یا تلف موضوع تعهد اختصاص نداده است. با این حال، مواد پراکنده‌ای در قانون مدنی ایران و فرانسه و همچنین خارج از آن می‌توان یافت که به تلف موضوع اشاره نموده‌اند که این تلف به عدم امکان اجرای قرارداد منتهی می‌گردد. بدین شکل، اگر حین عقد امکان اجرای آن وجود نداشته باشد، ضمانت اجرای آن بطلان معامله است (Planiol et Ripert et Esmein, 1931 : 646)، که از موضوع این پژوهش خارج می‌باشد. آنچه در عمل بیشتر مبتلا به است، پس از انعقاد عقد، به خاطر از بین رفتن موضوع آن و همچنین در موردی که تعهد نسبت به مال آینده باشد، اجرای عقد غیرممکن گردد که در این وضعیت اخیر، سرنوشت

۱. ماده ۱۳۵۱-۱ جدید در بازنگری ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ جایگزین مواد ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ شد که به تلف مورد تعهد پرداخته بودند.

عقد مشخص نشده است.

آنچه که در این تحقیق حائز اهمیت است، یافتن ضمانت اجرای مناسبی است که بتواند همهٔ فروض عدم امکان اجرای قرارداد را، پس از انعقاد آن، انتظام بخشد. چرا که سرنوشت قرارداد، در صورت عدم امکان اجرا، در حقوق ما گاهی با انفساخ، گاهی بطلان و حتی گاهی هم فسخ ضمانت اجرا شده است و اتفاق نظری در میان نویسندگان مشاهده نمی‌شود. به‌رغم اینکه در قوانین فرانسه هم وضعیت مشابهی حاکم است ولی، قریب به اتفاق دکترین معتقدند که «انتفا» در مقایسه با سایر ضمانت اجراها، برای اعمال عدم امکان اجرای عقد و صیانت از حقوق طرفین مناسب است. با وجود اینکه، در حقوق فرانسه موضوع این پژوهش مورد توجه نویسندگان بوده و دارای اهمیت عملی و نظری فراوان است؛ ولی در حقوق ما، تحقیق مستقلی راجع به سرنوشت عقد، در صورت عدم امکان اجرای آن صورت نگرفته است و دکترین ما، در لابه‌لای مباحث کتب حقوقی، به صورت پراکنده به این مسئله و آثار آن پرداخته‌اند. بدین ترتیب، در صورت عدم امکان اجرای تعهد، به‌خاطر زوال موضوع معامله، یا مورد تعهد برخی نقاط تاریک و مبهم در مورد سرنوشت عقد وجود دارد که بعضاً منتج به راه‌حل‌های متناقضی نیز شده است. پژوهش حاضر در صدد آن است که در ابتدا، فروض مختلف عدم امکان اجرای عقد، پس از تشکیل آن، را بررسی و سپس آثار حقوقی و پیامدهای این عدم اجرا تشریح شود.

لازم به یادآوری است در حالت کلی، اسباب انتفای قرارداد را می‌توان شامل از بین رفتن موضوع عقد، از بین رفتن سبب، فوت یا زوال یکی از اوصاف در تعهدات قائم به شخص و عدم حصول معلق‌علیه در شرط تعلیقی دانست که حدوث هر یک از فروض اخیر ممکن است به انتفای عقد بیانجامد. برای انسجام تحقیق حاضر، صرفاً به از بین رفتن موضوع عقد پرداخته خواهد شد. سایر فرضیات انتفاء از مبحث پژوهش حاضر خارج هستند.

۱. مفهوم و مبانی انتفا در صورت عدم امکان اجرا

برای ورود به بحث اصلی ایجاب می‌کند که به تعریف مفاهیم مهم این تحقیق مشتمل بر عدم امکان و انتفا پرداخته شود. «عدم امکان» از نظر لغوی به معنای محال بودن و ممکن نبودن آمده است (دهخدا، جلد ۲۲، عدم امکان). از نظر حقوقی هم از معنای لغوی خود دور نیفتاده است. عدم امکان^۱ خصیصهٔ چیزی است که غیرممکن است. فرهنگ حقوقی گرنو صفت غیرممکن را این گونه توصیف می‌کند: «چیزی که نمی‌تواند به دلایل مادی (تلف، توقف ساخت، توفان) یا قانونی

(ممنوعیت، سلب مالکیت، مصادره) با خصیصه نوعی (نه به سبب ضعف متعهد) و غیرقابل دفع (به طور مطلق)، محقق یا اجتناب شود، خواه اینکه عدم امکان هنگام تعهد وجود داشته باشد (عقد در این صورت به خاطر اینکه موضوع آن غیرممکن است، باطل است) یا اینکه عدم امکان بعداً حادث می‌شود» (Cornu, 2022, v° impossible). مثل رومی هم می‌گوید «هیچ کس به غیرممکن موظف نیست»^۱ (Roland, 2016 : 143). برخی نویسندگان کشورمان هم در این مفهوم از آن به عنوان «تعذر اجرای عقد» یاد می‌کنند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۷۴۰).

انتفا نهدی است که به کمک آن می‌توان فرضیات گوناگون عدم امکان اجرای عقد را به خاطر تلف موضوع آن، در حقوق ایران و فرانسه، سازماندهی و توجیه‌پذیر نمود. هر چند ممکن است، مبانی، کارکردها و حتی آثار آن در نظام‌های حقوقی یکسان نباشد، ولی برای انسجام در بررسی آن، برابری که در سایر سیستم‌های حقوق در نظر گرفته شده، که شناخت آن‌ها در بررسی حقوق تطبیقی قطعاً می‌تواند سودمند واقع شود، آورده می‌شود. برابری که برای انتفای فرانسوی در صورت عدم امکان اجرا، به کار رفته است عبارتند از: برخی، واژه لپس^۲ (Deman, et. Julian, 2015 : 449)؛ کلمه 408 n° (Ancel et Fauvarque-Cosson, 2019) و بعضی دیگر (Séjan, 2020 : art.1186) کلمه کدوسی^۳ در زبان انگلیسی را معادل فرانسوی آن دانسته‌اند؛ در حقوق ایتالیا (*caducità*)؛ در حقوق اسپانیا (*caducidad*) و در حقوق آلمان (*Wegfall*) ترجمه شده است (Catala, 2011: art.1131). معادل آن در ماده ۱۰۹۰ قانون مدنی جدید آرژانتین (*frustración de la finalidad*) می‌باشد (Deshayes et al., 2018 : 397). در زبان عربی معادل الانعدام (Séjan, 2020, art.1186) دارد. به نظر نزدیک‌ترین مفهوم معادل انتفای حقوق فرانسه، فراستریشین^۴ در حقوق انگلیس است.

قبل از بازنگری ۲۰۱۶ حقوق قراردادهای فرانسه، یافتن گزینه قانونی مناسب که همه فرضیات زوال موضوع را وحدت ببخشد، با خلأ قانونی مواجه بود؛ هر چند که رویه قضایی تا حدودی این خلأ را پر نموده بود ولی کافی نبود. در بازنگری ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ در ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی نهاد انتفا تثبیت شد. بند ۱ ماده اخیر، انتفا را این گونه تعریف می‌کند: «عقدی که بصورت معتبر منعقد شده، اگر یکی از عناصر اساسی آن از بین برود، منتفی می‌شود [...]»^۵. برای اینکه بتوان از بین رفتن موضوع

1. Impossibilium nulla obligatio

2. lapse

3. Caducity

4. Frustration

5. "Un contrat valablement formé devient caduc si l'un de ses éléments essentiels disparaît(...)".

عقد را با انتفا توجیه نمود، ضرورت دارد که عقد پس از تشکیل آن، یکی از «عناصر اساسی»^۱ خود را از دست بدهد. مادهٔ اخیر، عنصر اساسی را تعریف ننموده^۲ و مصادیق^۳ آن را بیان نکرده است و این مسئله مورد انتقاد دکتترین بوده است.

مادهٔ ۱۱۲۸ قانون مدنی فرانسه که برای انعقاد عقد سه شرط را ضروری می‌داند: رضای طرفین؛ اهلیت آن‌ها و محتوای مشروع و معین. وجود رضا و اهلیت تنها برای انعقاد قرارداد ضروری هستند و زوال آن‌ها پس از تشکیل قرارداد خدشه‌ای به آن وارد نمی‌کند؛ بنابراین، این دو شرط اخیر از موضوع بحث کنار گذاشته می‌شوند. آنچه باقی می‌ماند بند ۳ است که «محتوای»^۴ عقد را بیان می‌دارد. واژه‌نامهٔ حقوقی کُرنو، محتوا را اینگونه توصیف می‌کند: محتوا در زمینهٔ قراردادی، ماهیت عقد را تعیین می‌کند که به طور مرسوم، شامل موضوع و سبب عقد است (Cornu, 2022: 225). بدین شکل، وجود موضوع نه تنها هنگام انعقاد قرارداد ضروری است، بلکه بقای آن، پس از تشکیل قرارداد تا اجرای کامل آن ضرورت دارد و در صورت از بین رفتن بعدی آن، اجرای قرارداد را غیرممکن و در نتیجه عقد منتفی می‌شود. بنابراین، در صورت عدم امکان اجرای قرارداد، تنها می‌توان فرضیهٔ توسل

۱. برخی عناصر اساسی را عناصری دانسته‌اند که بعد از انعقاد عقد، مستعد از بین رفتن هستند یا زوال یک عنصر از محتوای اقتصادی عقد و به ویژه سبب تعهد وقتی که سبب مذکور به طور مداوم مورد نیاز باشد (Mignot, 2017: 7). به زعم بعض دیگر، عنصر اساسی کم‌وبیش می‌تواند به هر عنصر تعیین‌کننده (déterminant) در انعقاد و اجرای قرارداد اشاره داشته باشد، امری که به‌گونه‌ای نسنجیده به گسترش دامنهٔ اعمال انتفا منتهی می‌شود (Houtcieff, 2020: 413). به طور خلاصه عناصر اساسی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: عناصری هستند که از نظر متعاقدين یا قانون از لحظهٔ انعقاد عقد تا اجرای آن، بر وجود و استمرار آن تأکید می‌شود، خواه این عناصر از محتوای عقد ناشی شود، خواه یک عنصر خارجی.

۲. مادهٔ ۱۱۸۶ قانون مدنی فرانسه «عنصر اساسی» را تعریف ننموده است که انتقادات دکتترین را در پی داشته داشته است. «حداقل‌ترین چیزهایی که مصوبه بایستی به طور شفاف بیان می‌کرد این است که کدامین عناصری مهم هستند و از چنان ماهیتی ویژه‌ای برخوردارند که، به طور کلی، یعنی برای هر عقدی، نه تنها شرایط انعقاد آن بلکه حتی شرایط بقاء آن را نیز تعیین می‌کنند. بدون انجام چنین کاری، بند ۱ مادهٔ ۱۱۸۶ جز پرسشی ساده که نیازمند پاسخ است، و حتی می‌توان گفت نوعی سهل‌انگاری قانون‌گذارانه، نیست» (Deshayes et al., 2018 : 394).

۳. عدم مشروعیت (غیرقانونی) موضوع یا هدف قرارداد، از بین رفتن عوض در عقود معوض یا جهت یا داعی در عقود غیر معوض، را از مصادیق عناصر اساسی دانسته‌اند که زوال آن‌ها، انتفای عمل حقوقی را توجیه می‌کنند (Terré et al., 2018: n°591). موادی از قانون مدنی که نسبی هستند و امکان‌پذیری موضوع را مطرح می‌کنند (مواد ۱۱۶۳ الی ۱۱۶۷) و مشروع بودن هدف قراردادی (مادهٔ ۱۱۶۲) و منفعتی که یک متعاقد را به تعهد وارد نموده است از عناصر اساسی تلقی می‌شوند.

به انتفای عقد را پروراند که می‌تواند فرضیات مختلفی را در برگیرد. در حقوق ما نهاد مناسبی که بتوان در همهٔ فروض عدم امکان اجرای تعهد اعمال نمود، پیش‌بینی نشده است. برخی، عقدی که به صورت صحیح واقع شده و به جهت وقوع علت خارجی، اجرای تعهد کلاً یا جزئاً متعذر شده را تعذر اجرای عقد نامیده‌اند (لنگرودی، ۱۳۸۸، ۷۴۰) و بعضی دیگر، حکم ناممکن شدن اجرای تعهد پس از تشکیل قرارداد را «انفساخ» دانسته‌اند (شهیدی، ۱۳۹۵: ۱۲۲) هر چند که در این خصوص نیز اتفاق نظر وجود ندارد.

رساله‌هایی هم که در حقوق فرانسه به بررسی انتفا پرداخته‌اند، از بین رفتن مادی مورد تعهد و عدم امکان اجرا به لحاظ قانونی، زوال ثمن و از بین رفتن مال آینده را با نهاد انتفا قابل توجیه دانسته‌اند (Garron, 2000: 105 et s; Pelletier, 2004: 69 et s; Chaaban, 2006: 33 et s) و جایگاهی برای فورس ماژور در این موضوع قائل نشده‌اند که ممکن است موجب خلط بین دو نهاد فورس ماژور و انتفا گردد. برای اینکه فورس ماژور از موضوع پژوهش حاضر کنار گذاشته شود و عدم امکان اجرای قرارداد، به خاطر از بین رفتن مورد موضوع، با انتفا توجیه شود قبل از همه، شایسته است که شباهت‌های بین این دو نهاد روشن شود و سپس به تفاوت‌های آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲. تمیز انتفا از فورس ماژور

یکی از دلایلی که سبب شده تا از پرداختن به انتفا در حقوق ما غفلت شده باشد، وجود نهاد فورس ماژور بوده است و به نظر می‌رسد که در اغلب موارد حقوق‌دانان ما «فورس ماژور» و «انتفا» را یکی دانسته‌اند و به همین خاطر در آثار آن‌ها به بررسی انتفا توجه نشده است. دلیل دیگری هم که می‌توان ذکر کرد، این است که در قانون مدنی فرانسه جایگاهی برای انتفا اختصاص نیافته بود. مصوبه ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ که سپس به عنوان قانون شماره ۲۷۸-۲۰۱۸، ۲۰ آوریل ۲۰۱۸ تصویب شد، در ماده ۱۱۸۶ انتفا در زمینهٔ قراردادها را تثبیت نمود. برای کنار گذاشتن فورس ماژور در صورت عدم امکان اجرای تعهد در وهلهٔ اول، ایجاب می‌کند که شباهت این دو نهاد مشخص گردد سپس به تفاوت‌های آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۱. شباهت انتفا و فورس ماژور

هر دو مورد باعث انحلال قهری قرارداد می‌شوند؛ در صورت عدم تقصیر طرفین، تعهدات آن‌ها

۱. بند اول ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی فرانسه تصریح می‌کند: در قراردادها، وقتی که یک رویداد خارج از کنترل متعهد باشد، که در زمان انعقاد قرارداد به طور معقول امکان پیش‌بینی آن وجود نداشته است و مدیون نمی‌توانسته از آثار آن به وسیله تدابیر مناسب احتراز نماید، به گونه‌ای که وقایع مانع از اجرای تعهد توسط مدیون گردد، فورس ماژور وجود دارد.

ساقط و زیان دیده نمی‌تواند مطالبه خسارت نماید.^۱ با این حال، برخی معتقدند که در اثر فورس ماژور تعهدات قراردادی طرفین ساقط نمی‌گردد و صرفاً پرداخت خسارت ساقط می‌شود (نیکبخت، ۱۳۷۶: ۱۰۸). به نظر می‌رسد که این نظر قابل پذیرش نیست چرا که اولاً، اگر بر اثر قوه قاهره یکی از طرفین قادر به انجام تعهد خویش نباشد با توجه به پذیرش نتیجه اصل همبستگی تعهدات، تعهد طرف دیگر نیز ساقط خواهد شد (صفایی، ۱۳۹۷: ۳۸) ثانیاً، بند ۲ ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی فرانسه نیز به صراحت اعلام می‌کند: اگر مانعی که از فورس ماژور به وجود می‌آید دائمی باشد قرارداد به صورت قهری (résolution de plein droit)^۲ پایان می‌پذیرد و طرفین از تعهداتشان بری می‌شوند. علاوه بر این، ماده ۱۱۸۷ قانون اخیر، در ضمانت اجرای انتفا مقرر می‌دارد که: انتفا به قرارداد خاتمه^۳ می‌دهد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ضمانت اجرای فورس ماژور و انتفا، انحلال خودکار قرارداد می‌باشد. علیرغم، شباهت‌هایی که بین فورس ماژور و انتفا بیان شد؛ تفاوت‌هایی نیز بین آن‌ها وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۲-۲. تفاوت انتفا و فورس ماژور

۲-۲-۱. تفاوت در عنصر و دامنه اعمال

به طور مرسوم، برای تحقق فورس ماژور شروط سه‌گانه غیرقابل پیش‌بینی^۴، غیرقابل اجتناب^۵ و خارجی بودن^۶ رویداد را ذکر می‌کنند. صرف بیان این ویژگی‌ها، نشان می‌دهد که شرایط فورس ماژور محدودتر از شرایطی است که بر مبنای آن‌ها زوال یکی از عناصر اساسی در اجرای عمل حقوقی موجب اعمال انتفا می‌گردد. علاوه بر این، می‌توان گفت، هنگامی که فورس ماژور موجب عدم امکان مطلق و دائمی اجرای تعهد می‌شود، در این صورت «بنابراین فورس ماژور به طریق اولی یک سبب انتفا است» (pelletier, 2004: 66). بدین ترتیب، شروط سه‌گانه فورس ماژور برای کاربست انتفا ضروری نیستند. بدین شکل، اولین تفاوت بین انتفا و فورس ماژور در شرایط تحقق آن‌ها می‌باشد. تحقق فورس

۱. بند ۲ ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «در صورتی که مانع اجرای تعهد دائمی باشد، قرارداد بطور قهریایی پایان می‌پذیرد و طرفین از تعهدات خویش بری می‌شوند [...]».
۲. در فرض عدم امکان قطعی اجرا و فقدان شرط فاسخ صریح، با وجود اصل فسخ قضایی (résolution judiciaire)، قرارداد به صورت خودکار منحل می‌گردد (Tirel, 2018: 204). همان گونه که شعبه تجاری دیوان عالی در رأی شماره ۸۰-۱۶۶۷۸، ۲۸ آوریل ۱۹۸۲ این مسئله را تایید کرده است که «درخواست فسخ قضایی در فرض عدم امکان اجرای قطعی ضروری نمی‌باشد».

3. met fin à
4. imprévisible
5. irrésistible
6. extériorité

ماژور که مانع از عدم امکان اجرای عقد توسط متعهد می‌گردد، از یک رویداد خارجی مانند آتش‌سوزی، جنگ، زلزله، سیل، ناشی می‌شود که اجرای تعهدات را غیرممکن می‌سازد. در حالی که، انتفا، زوال یک عنصر داخلی^۱ را اقتضا می‌کند که لزوماً اجرای آن را غیرممکن نمی‌سازد (Seube, 2017: 14). به نظر می‌رسد که مشروط دانستن انتفا به زوال یک عنصر داخلی صحیح نباشد، چرا که در برخی از موارد بروز یک رویداد خارجی نیز می‌تواند انتفای قرارداد را در پی داشته باشد، مانند از بین رفتن عین مستأجره در پی حوادث غیرمترقبه. همچنین ممکن است زوال عناصر اساسی قرارداد، هیچ ارتباطی به حادثه خارجی با شرایط فورس ماژور نداشته باشد، مثل عدم تحقق معلق‌علیه در شرط تعلیقی یا فوت و زوال ویژگی‌های مورد نظر در شخص متعهد در تعهداتی که قائم به شخص هستند. بدین‌سان، دامنه انتفا وسیع‌تر از فورس ماژور می‌باشد. با کمی مسامحه می‌توان گفت که رابطه آن‌ها عموم و خصوص مطلق است. حقوق‌دانانی هم که فورس ماژور را با فراسترشین در حقوق انگلستان بررسی نموده‌اند، چنین دیدگاهی را مطرح نموده‌اند که دامنه انتفا عام‌تر از فورس ماژور می‌باشد (صفایی، ۱۳۹۵: ۳۹۷؛ صادقی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۹۸). هرچند که این دیدگاه صحیح می‌باشد، ولی حقوق‌دانان ما در معادل دانستن فورس ماژور با فراسترشین در حقوق انگلستان به خطا رفته‌اند، چرا که معادل دقیق‌تر «فراسترشین» در حقوق انگلستان، «انتفا» در حقوق فرانسه می‌باشد نه فورس ماژور.

۲-۲-۲. عدم تحقق فورس ماژور در قراردادهای مرتبط

یکی دیگر از تفاوت‌های برجسته نهاد فورس ماژور با انتفا، در «انتفای قراردادهای مرتبط»^۲ است. بند دوم ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی فرانسه در تعریف عقود اخیر بیان می‌دارد: «هنگامی که اجرای چند قرارداد در انجام عملیات واحد ضروری است و یکی از آن‌ها از بین برود، قراردادهایی که اجرای آنها بخاطر این زوال غیرممکن شده [...]، منتفی هستند». بنابراین، در قراردادهای مرتبط از بین رفتن یکی از قراردادهای می‌تواند انتفای سایر قراردادها را در پی داشته باشد. صرف‌نظر از اینکه قرارداد اولی باطل یا فسخ یا منفسخ شده باشد، قراردادهای مرتبط منتفی می‌شوند. در حالی که، در فورس ماژور چنین قاعده‌ای رعایت نمی‌شود و از بین رفتن، یک قرارداد به علت وجود فورس ماژور، الزاماً تأثیری بر سایر قراردادهایی که به آن وابسته‌اند، ندارد.

۲-۲-۳. تعلیق ناپذیری انتفا

در اثر فورس ماژور ممکن است که اجرای قرارداد با مانع موقت روبه‌رو شود. در صورتی که، عدم اجرا به طور موقت باشد، اجرای تعهد به حالت تعلیق در می‌آید و اجرای تعهد با تأخیر صورت

1. interne

2. contrats interdépendants

می‌گیرد. ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد: «[...] در صورت فورس ماژور/ وقتی که عدم اجر موقتی باشد، اجرای تعهد تعلیق می‌شود». در عوض، حتی اگر انتفای «جزئی»^۱ به رسمیت شناخته شود^۲ و مورد تعهد به صورت جزئی از بین برود و در نتیجه آن، اجرای قرارداد غیرممکن شود، قرارداد به صورت خوکار از بین خواهد رفت و تعلیق در انتفا راه ندارد.

۳. وضعیت‌های گوناگون عدم امکان اجرای قرارداد

عدم امکان اجرای موضوع می‌تواند، به صورت مادی یا قانونی، اتفاق بیافتد. قانون مدنی فرانسه و کشورمان ب صورت محدودی صرفاً از بین رفتن مادی موضوع عقد را پیش‌بینی کرده‌اند مانند، تلف عین مستأجره در عقد اجاره. بدین شکل، برای توجیه قراردادی که به لحاظ قانونی غیرممکن شده یا نسبت به مال آینده که مورد تعهد بوده است، ناکارآمد هستند که، اقتضا می‌کند به این فروض مهم که عدم امکان اجرا را تشکیل می‌دهند پرداخته شود.

۳-۱. از بین رفتن مادی موضوع عقد

هر قراردادی می‌بایستی دارای موضوع تعهد بوده که مربوط به حال یا آینده باشد و این موضوع باید امکان‌پذیر، معین و قابل تعیین باشد (ماده ۱۱۶۳ قانون مدنی فرانسه). از بین رفتن مادی کل

1. Partielle

۲. در خصوص تلف جزئی، دکترین فرانسوی، به کاربرد ماده ۱۷۲۲ قانون مدنی فرانسه اشاره می‌کند، زیرا این ماده به صراحت به زوال جزئی موضوع می‌پردازد. «از این رو، ویژگی جزئی تلف عین مستأجره را باید، قبل از همه، در رابطه با قصد قراردادی ارزیابی کرد. در نتیجه، قصد مشترک طرفین، به عنوان معیار ارزیابی این تلف به کار می‌رود. از آن نتیجه می‌شود، شیء که در حقیقت، هیچ گونه تلف مادی را متحمل نشده است را می‌توان، در معنای ماده ۱۷۲۲، به عنوان «تلف شده» در نظر گرفت، وقتی که در پی رویدادی، مستأجر امکان انتفاع از عین مستأجره و استفاده از آن، مطابق با مقصود خود را از دست می‌دهد. از یک طرف، این مراجعه به قصد طرفین به نفع فسخ برای آتیه‌ای (résiliation) محدود می‌شود. یعنی انتفا - یا حفظ قرارداد، به محض اینکه تلف واقعی اما صرفاً جزئی عین مستأجره، استعمال مال غیر منقول را مطابق با مقصود غیرممکن می‌کند یا خیر» (Garron, 2000 : 122 et 123). قانون مدنی ما هم در ماده ۴۸۶ تلف جزئی، را پیش‌بینی کرده است و به مستأجر این امکان را داده که اجاره را برای بقیه مدت فسخ یا فقط مطالبه تقلیل نسبی مال الاجاره بنماید. اگر موضوع تعهد تجزیه‌ناپذیر باشد، و تلف بخشی از آن موجب از مالیات افتادن همه آن شود، در این صورت، تلف بخشی از موضوع تعهد در حکم تلف تمام آن است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۵۴۴). انتفای جزئی مورد مخالفت برخی قرار گرفته است با این استدلال که تلف جزئی نمی‌تواند سقوط عمل حقوقی را به شکلی خودکار در پی داشته باشد، چرا که بخشی از عمل حقوقی همچنان قابل اجراست (Pelletier, 2004 : 64) به عبارت دیگر، تلف جزئی با قهری بودن انتفا سازگاری ندارد، چرا که ماده ۱۷۲۲ قانون مدنی فرانسه و ماده ۴۸۳ قانون مدنی کشورمان در صورت تلف بعض عین مستأجره، این اختیار را به مستأجر می‌دهد که اجاره را نسبت به بقیه فسخ یا مطالبه تقلیل نسبی مال الاجاره نماید، که با طبیعت خودکاری بودن انتفا منطبق نیست.

موضوع معامله، اولین سبب عدم امکان اجرا است که منتهی به انتفا می‌گردد. به عبارت دیگر، انتفا، منشأ خود را در عدم امکان اجرای مربوط به موضوع قرارداد می‌یابد (Mousseron et al, 2010: 527). تلف مادی موضوع قرارداد را می‌توان رایج‌ترین نوع انتفا نامید. مواد ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ قانون مدنی سابق فرانسه احکام و آثار تلف مورد تعهد را مقرر کرده بودند که در بازنگری ۲۰۱۶، ماده ۱۳۵۱-۱ جایگزین مواد سابق شد. ماده اخیر مقرر می‌دارد: «در صورتی که عدم امکان اجرا ناشی از تلف شیء مورد تعهد باشد، اگر متعهد ثابت کند، چنانچه تعهد اجراء هم شده بود، تلف رخ می‌داد [...]، بری می‌شود». در قانون مدنی ایران و فرانسه مواد پراکنده‌ای را می‌توان یافت که در آن‌ها از بین رفتن موضوع قرارداد، موجب انتفای آن می‌شود. برجسته‌ترین و ملموس‌ترین نمونه‌ای که در حقوق دو کشور در این زمینه می‌توان یافت و بدان استناد نمود، مواد ۱۷۲۲ قانون مدنی فرانسه و ۴۸۳ قانون مدنی ایران است. طبق ماده ۱۷۲۲ قانون مدنی فرانسه: اگر در مدت اجاره، عین مستأجره به واسطه حادثه غیر مترقبه کلاً از بین برود عقد اجاره به صورت قهری منفسخ می‌شود.^۱ ماده اخیر نمونه‌ای کامل از انتفا در حقوق فرانسه است (Bénabent, 2021: 283; Seube, 2017, n° 20; Terré et al: 412; Malinvaud et Mekki, et Seube, 2021: 664) که مقررات مربوط به تلف عین مستأجره را بیان کرده است (Picod, 2019: n° 21) که در پی زوال یک عنصر اساسی در بقای عقد، در این مورد، موضوع آن (بند ۱ ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی فرانسه) را تشریح می‌کند (Puig, 2019: 605; Raynard et Seube, 2019: 333). به زعم برخی هم، «از مواد ۱۷۲۲ و ۱۷۴۴ قانون مدنی (تلف عین مستأجره) اصلی استنباط می‌شود که به موجب آن اگر در جریان عقد شیء از بین برود، قرارداد نیز پیش از موعد و به طور خودکار از بین می‌رود: اگرچه به گونه دیگری بیان شده‌اند، فروض بیان شده در مواد ۱۷۲۲ و ۱۷۴۱ نمونه‌هایی از انتفا تلقی می‌شوند» (Mousseron et al, 2010: 527).

از دیگر موارد عدم امکان اجرا می‌توان به ماده ۱۳۵۱-۱ قانون مدنی فرانسه اشاره داشت که تلف مورد تعهد را سبب سقوط تعهد دانسته است: «هرگاه عدم امکان اجرا، ناشی از تلف موضوع تعهد باشد، مستنکف از انجام تعهد در صورتی بری می‌شود که، ثابت نماید که حتی اگر تعهد اجرا شده بود هم باز تلف محقق می‌شد»^۲. برخی از حقوق دانان ما هم از بین رفتن موضوع را به عنوان تعذر

۱. ماده ۱۷۲۲ قانون مدنی فرانسه اصطلاح «résilié de plein droit» را برای انفساخ عقد اجاره به کار بسته است که بیشتر به معنی «فسخ آتی‌ای» است. بیشتر نویسندگان فرانسوی عبارت اخیر و مفهوم ماده را منطبق با «انتفا» دانسته‌اند (Tirel, 2018 : 202).

2. «Lorsque l'impossibilité d'exécuter résulte de la perte de la chose due, le débiteur mis en demeure est néanmoins libéré s'il prouve que la perte se serait pareillement produite si l'obligation avait été exécutée».

اجرای مطلق و دائمی قلمداد نموده‌اند که در نتیجه تحقق آن تعهد ساقط و قرارداد منحل می‌شود (شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۲۱؛ صفایی، ۱۳۹۷: ۳۱۸). قانون مدنی ما، تلف موضوع تعهد را از اسباب سقوط تعهدات نیارده است، ولی نمونه‌هایی از تلف موضوع قرارداد در قانون مدنی ما هم یافت می‌شود. ماده ۴۸۳ قانون مدنی در عقد اجاره، تلف عین مستأجره را موجب انفساخ آن می‌داند؛ تلف موضوع حق انتفاع (بند ۲ ماده ۵۱)؛ در عقد مزارعه به خاطر فقدان آب یا سایر عوامل، زمین قابلیت انتفاع را دست دهد، عقد منفسخ می‌شود (ماده ۵۲۷)؛ همین حکم را به عقد مساقات هم می‌توان تعمیم داد؛ در صورت از بین رفتن تمام سرمایه و ربح (بند ۴ ماده ۵۵۱) در عقد مضاربه؛ به نظر تلف موضوع قرض نیز از موارد انتفای عقد است هر چند که ماده ۶۴۹ قانون مدنی به صراحت به این موضوع اشاره‌ای نداشته اما می‌توان از آن چنین مفهومی را استنباط نمود؛ تلف تمام مال شرکت (بند ۲ ماده ۵۸۷)؛ همچنین، ماده ۸۰۲ در خصوص عقد هبه بیان کرده که «اگر قبل از قبض و اهب یا متهب فوت کند هبه باطل می‌شود.» این گونه به نظر می‌رسد که مقنن بطلان را در معنای عام خود به کار برده است، چرا که بطلان ضمانت اجرای عقدی است که هنگام تشکیل عمل حقوقی فاقد یکی از شرایط اساسی برای انعقاد عقد بوده است، در اینجا عقد هبه به صورت صحیح منعقد شده است و فوت یکی از طرفین را باید از موارد انتفای عقد تلقی نمود. در عقد وکالت هم اگر مطابق ماده ۶۸۳ «هرگاه متعلق وکالت از بین برود [...] وکالت منفسخ می‌شود.» مأموریت محوله به وکیل اگر بدون موضوع شود (Bénabent, 2021: 188). پس نمونه‌های فراوانی را در قانون مدنی ما می‌توان یافت که از بین رفتن موضوع عقد را می‌توان از موارد انحلال بیان نمود. با این وجود، هر چند در این موارد نیز، در خصوص باطل بودن یا منحل شدن قرارداد از حین زوال موضوع اختلاف نظر وجود دارد؛ کما اینکه در تعبیر به «بطلان قرارداد» در ماده ۴۸۱ قانون مدنی اختلاف نظر به وجود آمده است و برخی آن را صحیح (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۳۵-۴۳۴؛ شهیدی، ۱۳۹۳: ۵۰)، برخی دیگر حمل بر مسامحه قانون‌گذار کرده‌اند (جعفری لنگروی، ۱۳۹۵: ۳۰۱) و بعض دیگر بطلان موضوع ماده اخیر را نزدیک به مفهوم انفساخ دانسته‌اند (صفایی، ۱۳۹۷: ۴۰). مرحوم استاد کاتوزیان، در مقام تفسیر ماده ۴۸۳ قانون مدنی مرقوم داشته‌اند که «مبانی تاریخی قانون مدنی نشان می‌دهد که دو ماده ۳۸۷ در بیع و

۱. رویه قضایی ایران هم در این فروض متمایل به انفساخ است. «از مواد ۴۷۱، ۴۸۱ و ۴۹۶ قانون مدنی و مواد دیگری که در نظایر اجاره، مزارعه و غیره استنباط می‌شود که عین مستأجره باید به قابلیت انتفاع باقی باشد و در صورتی که از ابتداء قابل انتفاع بوده و در اثناء مدت از قابلیت انتفاع خارج شود، از آن زمان به بعد اجاره منفسخ می‌شود» (رای شماره ۶۴۴-۱۳۱۷/۳/۱۱، متین دفتری، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۰، ص ۱۵).

۴۸۳ در اجاره دو مصداق از یک قاعده و سبب مشترک داد». در ادامه استدلال می‌کنند که در عقد اجاره تا وقتی که عین موجود است منفعت همراه آن وجود دارد و تلف عین بیانگر این است که «منفعت نسبت به بقیه مدت از آغاز موجود نبوده است»، نویسنده اخیر، استعمال واژه «انفساخ» را صحیح نمی‌داند و بیان داشته‌اند که «اجاره نسبت به مدت باقی مانده باطل می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۳۹۶). به نظر می‌رسد که این استدلال قابل بحث باشد و از مبانی حقوقی قوی برخوردار نباشد. آنجا که ایشان مرقوم داشته‌اند، در صورت تلف عین فرض شود که منفعت نسبت به بقیه از آغاز موجود نبوده است. همان گونه که قبلاً هم اشاره شد، عقد با وجود همه عناصر اساسی که برای انعقاد آن ضروری هستند، تشکیل شده است پس اولاً برای باطل شمردن این عقد، باید از یک مبنای حقوق قوی برخوردار باشد که در مانحن فیه مشاهده نمی‌شود. ثانیاً با اصل لزوم و صحت قراردادها هم تعارض دارد، چگونه می‌توان عقدی که به صورت صحیح شکل یافته را باطل فرض کرد. برای حل این مسئله با کنار گذاشتن بطلان می‌توان پیشنهاد داد که عقد اجاره تا زمان تلف عین مستأجره، معتبر و آثار آن جاری و ساری بوده است و پس از تلف برای آینده متوقف و در نتیجه عقد منتفی می‌شود.

خارج از مقررات قانون مدنی، قوانین دیگری نیز، انتفای قرارداد را در صورت تلف موضوع بیان کرده‌اند. ماده ۵۳ قانون اراضی ۱۲۵۳-۶۷، ۳۰ دسامبر ۱۶۹۷ فرانسه راجع به این مورد مقرر کرده: «اگر در طی دوره امتیاز بهره‌برداری / از معدن / مال غیر منقول بر اثر حادثه‌ای غیر مترقبه، کلا تلف شود، امتیاز بهره‌بردار بصورت قهری منفسخ می‌شود^۱». نمونه دیگری از انتفا، مربوط به تلف موضوع بیمه‌نامه است؛ ماده ۹-۱۲۱ مجموعه قوانین بیمه‌ای فرانسه تصریح می‌کند: «در صورت تلف کل موضوع بیمه، که ناشی از یک رویداد پیش‌بینی نشده، برای شرکت بیمه باشد، بیمه‌نامه بصورت قهری پایان می‌یابد». مقررات بیمه‌ای ما در این خصوص ساکت است اما منعی برای اعمال همین قاعده در مقررات بیمه‌ای ما وجود ندارد و از بین رفتن موضوع بیمه می‌تواند موجب انفساخ قرارداد بیمه شود (برادران، ۱۳۸۵: ۷۴). در نتیجه نمونه‌ای که تعداد آن‌ها کم هم نیستند نشان می‌دهد که قانون‌گذار در اغلب موارد، موضوع عقد را جزء عناصر اساسی عقد تلقی و در نتیجه، از بین رفتن

۱. روان‌شاد دکتر کاتوزیان در مقام تفسیر ماده ۴۹۶ که به تلف عین مستأجره اشاره کرده است، کاربست واژه «بطلان» را با طبیعت اجاره سازگارتر دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۴۳۴)؛ از نظر برخی دیگر، عبارت «باطل می‌شود» در ماده ۴۹۶ که به دنبال عبارت «از تاریخ تلف» آمده است، بیانگر آن است که مقنن بطلان را در معنای اخص آن به کار نبرده است و از عبارات ماده اخیر، استنباط می‌شود که منظور انفساخ قهری عقد از زمان تلف می‌باشد (نهرینی، ۱۳۹۵: ۲۹۴).

۲. در این مورد هم مقنن اصطلاح «résilié de plein droit» را استعمال کرده است از آن به انتفا تعبیر می‌شود.

آن پس از انعقاد عقد و در حین اجرای آن را موجب انتفای عقد می‌داند.

۲-۳. از بین رفتن قانونی موضوع عقد

پس از تشکیل عقد، تحت تأثیر برخی از اوضاع و احوال، بی‌آنکه موضوع تعهد یا عقد به صورت مادی از بین برود، ممکن است اجرای آن از نظر قانونی غیرممکن گردد. این فرض اخیر را هم باید از موارد عدم امکان اجرا محسوب نمود که می‌تواند به تلف حکمی تعبیر شود.^۱ به عنوان مثال، قراردادی برای واردات قطعات خودرو، بین یک شرکت خودروساز داخلی با یک قطعه‌ساز خارجی منعقد می‌گردد، دولت به خاطر حمایت از صنعت داخلی واردات قطعات خارجی را ممنوع اعلام می‌کند یا اینکه مورد تعهد حمل کالا بوده که پس از انعقاد قرارداد، قانون جابه‌جایی آن را ممنوع اعلام می‌نماید (شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۲۱) یا ممکن است برخی موانع قانونی از طرف دولت ایجاد شود یا مرجع قضایی کامیونی را که به حمل کالا اختصاص دارد مصادره کند و امکان فراهم کردن وسیله جایگزین هم وجود نداشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۵/۴: ۱۹۰) یا قرارداد حمل و نقل یا تحویل به‌خاطر ممنوعیت‌های دولتی یا اداری غیرممکن گردد (Bénabent, 2021: 283). لغو مجوز فعالیت یا پروانه نیز از مصادیق انتفا می‌باشد. مثلاً اگر وکیل دادگستری با موکل خویش قرارداد وکالت منعقد نماید و سپس پروانه وی لغو شود، قرارداد وکالت نیز به تبع آن منتفی می‌شود (شیروی، ۱۴۰۰: ۳۰۷). بنابراین، پس از انعقاد عقد، اگر قانون، دستورالعمل، بخشنامه، موضوع تعهد که توسط متعهد بر عهده گرفته شده را، نامشروع اعلام کند، تعهد ساقط می‌شود و این سقوط اغلب «بطلان» نامیده می‌شود (Ripert et Boulanger, 1957: 699). حتی خود نویسندگان اخیر هم در ادامه اذعان می‌دارند که واژه بطلان از نظر حقوقی خالی از ایراد نیست. برخی مقررات تجاری نیز از «انتفای» قرارداد الهام گرفته‌اند، بدین ترتیب، ماده ۱۲ آیین‌نامه شماره ۶۶-۱۰۷۸ مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۶۶ فرانسه، مربوط به کرایه کشتی، هرگونه اقدام دولت یا هر رویداد فورس ماژور که قبل از حرکت کشتی روی دهد و اجرای سفر را غیرممکن سازد، انتفا تلقی می‌کند. علاوه بر این، ماده ۶۹ آیین‌نامه اخیر نیز، همان راه‌حل را در چهارچوب قرارداد حمل و نقل مسافر پذیرفته است (Garron, 2000: 117). ماده ۱۳۱ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳ کشورمان نیز، مقررات مشابهی را وضع کرده است؛ هر گاه کشتی به علت ممنوع بودن تجارت با بندر مقصد نتواند حرکت کند، قرارداد مسافرت کان‌لم‌یکن می‌شود. ماده ۱۰۴ قانون اخیراً ممنوع بودن تجارت با کشور

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص تلف حکمی به مقاله «مفهوم و قلمرو تلف حکمی موضوع عقد با نگاهی به نظام حقوقی انگلستان» مراجعه شود (آقاخانی، ۱۴۰۱).

۲. ماده ۱۰۴ قانون دریایی کشورمان که مقتبس از ماده ۱۲ آیین‌نامه قراردادهای کرایه کشتی و حمل و نقل دریایی،

مقصد کالا را از موارد فسخ تلقی می‌کند. ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در این ماده، علاوه بر آنکه با ضمانت اجرای ماده ۱۳۱ آن قانون در تعارض است که «کان‌لم‌یکن» بودن را مقرر کرده است، بلکه حکایت از عدم وجود تدبیری مناسب برای موقعیت‌های مورد بحث دارد؛ اصولاً کان‌لم‌یکن بودن قرارداد، بیش از هر نهاد دیگری با بطلان قرارداد انطباق دارد، درحالی‌که از میان رفتن ظرفیت قانونی اجرای عقد پس از انعقاد آن نباید باعث بطلان قرارداد صحیح منعقد گردد، همچنان‌که پیش‌بینی فسخ برای چنین موردی، با فلسفه وجودی فسخ و مصادیق آن در قوانین موجود انطباق ندارد. بنابراین، آنچه منطقی است در این موارد اعمال گردد، انتفای قرارداد است که آثار و نتایج پیش و پس از انتفای قرارداد را هم به خوبی توجیه کرده و وحدت می‌بخشد.

۳-۳. عدم امکان اجرای تعهد به صورت وحدت مطلوب

تحت برخی شرایط، نه موضوع قرارداد به صورت مادی از بین می‌رود و نه از لحاظ قانونی اجرای آن غیرممکن می‌گردد، اما انجام تعهد مقید به موعد خاصی می‌باشد، به عنوان مثال، شخصی تالار پذیرایی را برای مراسم ازدواج خود به تاریخ مشخصی تدارک می‌بیند، ولی به علت تشدید پاندمی ویروس کرونا در تاریخ مقرر، امکان پذیرایی از مهمان توسط تالار وجود نداشته باشد در نتیجه اجرای تعهد غیرممکن می‌گردد. در مثال یادشده چون انجام تعهد مقید به موعد معین بوده و پس از آن مطلوبیت خود را از دست می‌دهد، مانند این است که برای همیشه غیرممکن شده است. دکتربین ما به ناممکن شدن اجرای تعهد که به صورت وحدت مطلوب بوده توجه داشته‌اند. نمونه‌ای دیگر آژانس هواپیمایی تعهد حمل هوایی شرکت‌کنندگان در کنفرانسی را برعهده گرفته باشد که در تاریخ‌های معین کنفرانس برگزار می‌گردد، و در تاریخ‌های مقرر، به علت بسته شدن خطوط هوایی، اجرای تعهد ناممکن شود (شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۲۲). از آنجا که انجام تعهد خارج از موعد مقرر، موضوع قرارداد نمی‌باشد، در این صورت با گذشتن موعد مقرر تعهد ساقط می‌گردد (امامی، ۱۳۹۵: ۲۸۸) و موجب انفساخ عقد است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴: ۲۸۱). از نظر بعضی، در صورتی که اجرای تعهد به صورت وحدت مطلوب باشد، با گذشتن موعد، آیا تعهد به صورت خودکار از بین می‌رود یا متعهدله می‌تواند آن را فسخ کند، بر این عقیده هستند که باید به اراده مشترک طرفین مراجعه کرد (کاتوزیان، ۴/۱۳۹۵: ۱۴۷). اما کشف اراده حقیقی طرفین در این فرض هم چندان آسان نیست. به‌زعم برخی، اگر اجرای عقد به صورت وحدت مطلوب مورد نظر متعاملین باشد و مورد معامله برای آن زمان، غیرمقدور گردد، معامله به لحاظ «فقدان موضوع» باطل خواهد بود (شهیدی،

۱۳۹۵ [الف]: ۲۹۴). از نظر ما استعمال اصطلاح «باطل بودن» هر چند در معنای عام آن باشد صحیح نمی‌باشد، قراردادی که با شرایط اساسی برای صحت معامله منعقد شده، سپس اجرای آن غیرممکن شده است را نمی‌توان باطل دانست و در این فرض قرارداد را باید منتفی قلمداد نمود.

۳-۴. عدم امکان اجرا نسبت به تعهد آینده

توسعه اقتصادی، تحولات حقوقی را هم به دنبال داشته است. به همین خاطر در حقوق معاصر پذیرفته شده که، موضوع تعهد، می‌تواند برای شیء آینده باشد و ضرورتی ندارد که مورد تعهد هنگام انعقاد قرارداد وجود داشته باشد چرا که در عمل، در بسیاری از موارد موضوع تعهد قراردادهای ملی و بین‌المللی مربوط به شیء آینده است. ساختمانی که ساخته خواهد شد؛ فروش وسیله نقلیه که در چند ماه آینده تحویل داده خواهد شد و هنوز تولید نشده است. مطابق بند ۱ ماده ۱۱۶۳ قانون مدنی فرانسه موضوع تعهد می‌تواند برای مال آینده باشد. پس، ضرورت ندارد که موضوع تعهد در لحظه تشکیل قرارداد وجود داشته باشد. کافی است که ماهیت آن به گونه‌ای باشد که گویا روزی وجود خواهد داشت. رومیان بیع مال آینده را «خرید شیء مورد انتظار»^۱ می‌نامیدند. بدین‌سان، ملاحظه می‌شود که قانون مدنی فرانسه در بخش قراردادهای تعهد برای موضوعات آینده را به صراحت پذیرفته است.^۲ از نظر برخی، اصطلاح اموال آینده در ماده اخیر باید در معنی موسعی در نظر گرفته شود. شیء آینده نه تنها در برگیرنده اشیای مادی است، بلکه همچنین حقوق را هم شامل می‌شود^۳ (Terré et al, 2018: 404). همچنین، واگذاری منافع آینده یک طلب یا واگذاری طلب حق الزحمه‌های معمار برای کارهایی که توسط شهرداری سفارش داده شده است در حالی که تصمیم شورای شهر هنوز تصویب نشده است (Mouial-Bassilana et Racile, 2018: n°24) بدین طریق، هنگامی که قراردادی راجع به «شیء آینده» است، متعهد باید از قبل به نحوی عمل کند تا تعهدی که به او مربوط می‌شود، فی الواقع بتواند اجرا گردد. این امر مستلزم آن است که این موضوع، برای متعهد وجودی

1. Emptio rei speratat

۲. همچنین ماده ال. ۱-۲۱۷ قانون مصرف، مصوبه ۱۷ فوریه ۲۰۰۵ قابل اعمال در «قراردادهایی تأمین اموال منقول برای ساخت یا تولید» در آینده.

۳. با این حال، قراردادهای مربوط به اموال آینده بی‌خطر هم نیستند، زیرا متعاقد ممکن است برای سنجیدن ارزش آن مشکل پیدا کند. به همین خاطر برخی از مقررات، تعهد برای آینده را ممنوع کرده‌اند. از جمله: واگذاری حقوق تالیفی راجع به آثار آینده (ماده ال. ۱-۱۳۱ و ال. ۴-۱۳۲- قانون مالکیت فکری). همچنین باید به مسئله پیمان‌های مدنی همبستگی (pacte) راجع به ارث آینده اشاره کرد که مطابق بند ۲ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی سابق فرانسه ممنوع بوده، البته این اصل با استثنائات قانونی زیادی هم مواجه بوده است.

حقوقی یا مادی داشته باشد. به عبارتی دیگر، باید این موضوع، برای او، از حالت «شیء آینده» به «شیء حال» بدل شود (Garron, 2000: 119). به عنوان مثال، شرکتی متعهد می‌شود که ۱۰۰ دستگاه تلویزیون با اوصاف معین، ظرف مدت زمان مشخصی، تولید و به خریدار تحویل نماید، ولی پس از انعقاد قرارداد در اثر آتش‌سوزی، ماشین‌آلات کارخانه به کلی از بین می‌روند و امکان اجرای تعهد غیرممکن می‌شود. در این قراردادها، وقتی که شیء آینده که مورد تعهد بوده است، اگر موضوع پس از تشکیل قرارداد، بدون تقصیر طرفین به وجود نیاید سه حالت دیدگاه راجع به سرنوشت عقد وجود دارد: در دیدگاه اول، یک گرایش قوی‌ترین معتقد به انتفای قرارداد هستند، در صورتی که موضوع تعهد، پس از تشکیل عقد به وجود نیاید چرا که در بیع چیزی که ساخته خواهد شد، خریدار فقط در صورتی ثمن را پرداخت خواهد کرد که مورد سفارش انجام شده باشد. در غیر این فرض، در صورت عدم تقصیر طرفین قرارداد منتفی خواهد شد (Terré et al, 2018: 404; Bénabent, 2021: n° 161 ; ; Garron, 2000: 118-121; Pelletier, 2004: 79).

دیدگاه دوم: شیء که هنوز موجود نیست، حتی قطعی هم نیست که روزی به وجود خواهد آمد. در صورت زوال شیء آینده، عمل حقوقی به خاطر فقدان موضوع می‌بایستی کان‌لم‌یکن^۱ (باطل) گردد (Carbonnier, 2000: n°54; Starck et al. 1998: 214). به‌زعم برخی دیگر، هر چند که در بازنگری ۲۰۱۶ «سبب» از شرایط اساسی صحت معاملات حذف شده است، بی‌تردید، مفهوم جدید «عوض مورد توافق»^۲ که نباید غیرواقعی یا ناکافی باشد کم‌وبیش می‌تواند کارکردهای سبب تعهد را از سر بگیرد. بنابراین، می‌توان برای باطل کردن قرارداد که در آن فورس ماژور مانع از وجود شیء آینده شده، استفاده کرد. با این حال، چندان هم رضایت‌بخش نیست دادرس باید دست به ابتکار بزند و شاید به ماده ۱۱۶۳ بسنده کند که در چنین فرضی بطلان را اعلام کند حتی اگر به صراحت پیش‌بینی نشده باشد (Mouial-Bassilana et Racile, 2018: n°23). اما باطل دانستن تعهد مربوط به مال آینده نمی‌تواند درست باشد. اولاً قانون مدنی فرانسه، صراحتاً تعهد برای مال آینده را پیش‌بینی کرده است (بند ۱ ماده ۱۱۶۳) ثانیاً، در صورتی که مال آینده پس از تشکیل قرارداد موجودیت نیابد، در صحت انعقاد معامله خللی وارد نمی‌سازد، زیرا عدم تحویل تعهد مربوط به مال آینده اجرای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد نه تشکیل آن را بنابراین در این صورت صرفاً می‌توان نهاد انتفا را اعمال کرد (Pelletier, 2004 : 80). قانون مدنی ما، در خصوص تعهد برای مال آینده ساکت است و بسیاری از فقها آن را باطل دانسته‌اند. در عوض، برخی نویسندگان صحت نفوذ بیعی که در

1. non avenu

2. contrepartie convenue

آینده ساخته می‌شود را ترجیح داده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۳۰۱). چرا که حق مالکیت پس از ایجاد منتقل می‌شود و هرگز بر معدوم استوار نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۷۵). از آنجا که نسبت به نظریه بطلان در مورد مال آینده انتقادات جدی و بحقی وارد شده است، گروه سوم برای حل و فصل مسئله با کنار گذاشتن بطلان، در جست‌وجوی راه‌حل دیگری برای توجیه موضوع بوده و ضمانت‌اجرای فسخ را مطرح نموده‌اند.

از نظر گروه سوم، کاربست بطلان نسبت به مال آینده صحیح نبوده چرا که بیع دارای موضوع بوده، و فروشنده متعهد به تحویل این شیء آینده است (Mazeud et al. 1987: 123). زوال موضوع مربوط به شیء آینده موجب فسخ قهرایی^۱ یا فسخ آتیه‌ای^۲ قرارداد است. در نتیجه، چنانچه مال آینده به وجود نیاید، به خاطر اشتباهات فروشنده که به تعهد خود عمل نکرده است، به جز در صورت فورس ماژور، خریدار می‌تواند فسخ بیع را تحصیل نماید (cadiet et leborgne, 2016: n°22). همچنان که کاربست بطلان برای زوال موضوع مال آینده دارای اشکالاتی بود، اعمال فسخ هم با اشکالاتی مواجه است چرا که از یک طرف، وقتی می‌توان قرارداد را فسخ نمود که شخص تعهد را انجام ندهد یا ناقص انجام داده باشد (بند ۴ ماده ۱۲۱۷) از طرف دیگر، فسخ ناشی از رفتار یکی از متعاقدين است که معمولاً با تقصیر همراه است، در حالی که انتفا مستقل از رفتار طرفین و به طور خودکار روی می‌دهد. بنابراین، سزاوار است که در این فرضیات انتفا لحاظ گردد.

۴. فرضیه تقصیر در صورت عدم امکان اجرای تعهد

برای توجیه عدم امکان اجرای قرارداد، با نهاد انتفا، در مورد «تقصیر آمیز» بودن یا «عدم تقصیر آمیز» بودن آن اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود. از نظر عده‌ای عدم امکان نبایستی ناشی از تقصیر طرفین باشد. زوال یک عنصر اساسی در عدم امکان اجرا باید مستقل از اراده متعاقدين روی دهد (Ghestin et al. 2013: 767; Terré et al, 2018: 170; Malaurie et al., 2020: n°393). خنثی بودن انتفا آن را از سایر عدم نفوذهای متمایز می‌کند. همچنین با فسخ متفاوت است چرا که این آخری مستلزم تقصیر متعهدی است (Dissaux et Jamin, 2015: 88) که به تعهد خود عمل نکرده است (Larroumet et.Bros, 2018: 455) علاوه بر فسخ^۳، در اجرای قهری، ایراد به عدم اجرا و مسئولیت

1. résolution

2. résiliation

۳. ماده ۱۲۱۷ برای عدم انجام تعهد یا متعاقدی که تعهد را به صورت ناقص انجام داده است فسخ را پیش‌بینی کرده است. پس اگر انتفای تقصیر آمیز را به رسمیت بشناسیم، تردیدی وجود ندارد در برخی موارد با فسخ خلط خواهند شد و مشکلات جدیدی را به وجود خواهند آورد.

قراردادی، مجموعه مواردی را تشکیل می‌دهند، وقتی اعمال قابل اعمال هستند که در اجرای قراردادی تقصیر صورت گرفته شده باشد (Pelletier, 2004: 62). از نظر بعضی، تلف شیء مورد ودیعه، نه تنها در صورت فورس ماژور به عقد ودیعه پایان می‌بخشد، بلکه در صورت تلف تقصیری نیز چنین است (Foriers, 1998: 27). بعضی دیگر، با این استدلال که مقنن عموماً شروط سقوط تعهدات را منوط به عدم تقصیر کرده است و همچنین ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی سابق فرانسه که مقرر می‌داشت: «اگر شیء، بدون تقصیر متعهد و پیش از تحقق تاخیر تلف یا مفقود گردد تعهد ساقط می‌شود». این موضوع همچنین از مفاد ماده ۱۷۲۲ نتیجه می‌شود که در این باره تأکید می‌کند که: «اگر، در طی مدت اجاره، عین مستأجره در اثر حادثه‌ای غیر مترقبه کاملاً تلف شود اجاره منفسخ می‌گردد».

واضح و مبرهن است که این مواد قانونی با شرایط تلف منطبق هستند و انحلال قهری قرارداد را پیش‌بینی می‌کنند. با این حال، این مواد به ما این امکان را نمی‌دهند که از بین رفتن اجتناب‌ناپذیر عقد، وقتی که تلف موضوع ناشی از تقصیر متعهد است، را در نظر بگیریم. در نتیجه، از این جنبه، در مواد مذکور نوعی نارسایی نامعقول دیده می‌شود و این محدودیت عقلایی نیست. دیگر اهمیت چندانی ندارد که عمل موجب انتفای منشأ آن تقصیر یکی از طرفین باشد یا خیر، همین که سبب زوال یکی از عناصر اساسی اجرای قرارداد شود، کافی است (Garron, 2000: n°90). مبنای این انتفای تقصیرآمیز را نویسنده از رأی دیوان^۱ استنباط نموده است که بر طبق آن «عقد اجاره با تلف کل عین مستأجره بر اثر حدوث حادثه غیر مترقبه "یا تقصیر" یکی از طرفین به صورت غیرارادی پایان می‌یابد»^۲. عدم امکان می‌تواند ناشی از قصور یکی از متعاقدین باشد و تصور اینکه قرارداد در این مورد منتفی باشد، دشوار است (Deshayes et al., 2018: 395) و انتفای تقصیرآمیز را محکوم می‌کنند. خانم شایان می‌نویسند: «اگر انتفای تقصیرآمیز به رسمیت شناخته شود، تنها کافی است به حفر قبری پردازیم که فسخ قضایی ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی [سابق] برای همیشه در آن به خاک سپرده خواهد شد»^۳ (Chaaban, 2006: n°46). بعد از بازنگری ۲۰۱۶ و گنجاندن انتفا در قانون مدنی فرانسه نیز بر غیرتقصیرآمیز بودن آن تأکید شده است (Epstein, 2018: 168). در حقوق ایران، در

1. civ. 3e, 22 janvier, 1997, n° 17, p.10.

2. "le bail prend fin de plein droit par la perte totale de la chose survenue par cas fortuit ou même par la faute de l'une des parties sauf les dommages-intérêts pouvant être mis à la charge de celle des parties déclarée responsable de cette perte".

۳. استاد جستز هم در این باره، در مقدمه رساله خانم پلیر می‌نویسد «به نظر می‌رسد تمایل شدیدی به پیدا کردن یک مقصر به هر قیمتی و اخلاقی کردن جهان وجود دارد، حتی اگر این تمایل نادانسته باشد» (Jestaz, préf. à la thèse) (Pelletier, 2004, IV).

صورت عدم امکان اجرای قرارداد و نقش تقصیر در آن مباحث زیادی صورت نگرفته است. با این حال، در صورتی که تعذر مطلق و دائمی باشد گفته شده که تعهد ساقط و قرارداد منحل می‌شود و تفاوتی نمی‌کند که تعذر ناشی از تقصیر متعهد باشد یا ناشی از حادثه خارجی که قابل انتساب به وی نیست حتی تقصیر از فعل شخص ثالث نشأت گرفته باشد که موجب تعذر عقد گردد (صفایی، ۱۳۹۷: ۳۱۸). همان گونه که نویسنده اخیر هم اشاره کرده‌اند، قانون مدنی ما در ماده ۳۸۷ قاعده دیگری را در پیش گرفته است و آن هم این است که «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود بیع منفسخ می‌گردد». با توجه به ملاک ماده اخیر، برخی از حقوق دانان ما، در خصوص تعذر مطلق اجرای تعهدی که غیرممکن شده، در خصوص تقصیر دو دیدگاه مطرح کرده‌اند. نخست، اگر تعذر اجرای قرارداد ناشی از تقصیر شخص ثالث باشد، قائل به انفساخ قرارداد شده‌اند. دوم، اگر تعذر ناشی از تقصیر متعهد باشد، عقد منفسخ نمی‌شود و متعهد باید بدل مورد تعهد را به متعهدله بپردازد (صفایی، ۱۳۹۷: ۳۱۹). به نظر می‌رسد که به دیدگاه دوم این ایراد را می‌توان وارد نمود که در صورت تعذر ناشی از تقصیر متعهد، سرنوشت را مشخص ننموده و گفته است: عقد منفسخ نمی‌شود و صرفاً به پرداخت بدل از طرف متعهد به متعهدله اکتفا می‌شود. به عبارت دیگر، برای پرداخت بدل باید سرنوشت عقد معلوم گردد که پرداخت بدل ضمانت اجرای کدام نهاد حقوقی است. روانشاد استاد کاتوزیان هم در تفسیر ماده ۳۸۷ در صورت تلف «بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع» با استناد «تعذر تسلیم» به حق فسخ نظر دارند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۴/۱۱۰). این نظر هم قابل مناقشه است چرا که حقوق فسخ در صورت عدم اجرای تقصیرآمیز اعطا می‌شود و در فسخ همواره تقصیر مستتر است. به علاوه به رسمیت شناختن انتفای تقصیرآمیز موجب خلط آن به شرط فاسخ می‌شود، چرا که شرط فاسخ هم منوط به ارتکاب تقصیر بوده، عدم انجام تعهد یا انجام دادن کار ارادی است. مانند این که شرط شود تأخیر در پرداخت هر یک از اقسام اجاره‌بها سبب انفساخ است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۵/۳۴۵) که تخلف خریدار زمینه‌ساز آن بوده است (امینی، ۱۳۸۹: ۳۸). همچنین ماده ۳۸۷ قانون مدنی که به تلف مبیع قبل از قبض اشاره می‌کند فرض عدم تقصیر بایع برای انفساخ عقد را پیش‌بینی نموده است. علاوه بر این، گفته شده است که تقصیر متعهد با فورس ماژور قابل جمع نیست. تقصیر فورس ماژور را نمی‌کند (صفایی، ۱۳۹۵: ۴۰۶). پس می‌توان استنباط کرد که به طریق اولی تقصیر با انتفا هم قابل جمع نیست. قریب به اتفاق دکترین در حقوق فرانسه و ایران بر جنبه غیرتقصیری انتفا تأکید کرده‌اند. برخی مواد قانون مدنی

ایران هم به صراحت به مسئله غیرتقصیری انتفا اشاره کرده‌اند. قانون مدنی سابق فرانسه نیز در ماده ۱۳۰۲ به این موضوع اشاره صریح‌تری داشت. بدین ترتیب، می‌توان گفت که تقصیر یک وصله‌ای است که به تن انتفا نمی‌چسبد و هرگز نمی‌تواند تقصیر را در خود هضم کند.

۵. نظام عدم امکان اجرای قرارداد

عدم امکان اجرای قرارداد به خاطر از بین رفتن موضوع پیامدهایی را به دنبال دارد. این عدم امکان اجرا از یک طرف، دارای اثر حقوقی است و از طرف دیگر، دارای نتایج مادی است که می‌تواند به استرداد منتهی شود.

۵-۱. آثار حقوقی عدم امکان اجرای قرارداد

۵-۱-۱. غیر ارادی بودن^۱: عدم امکان اجرای قرارداد

در صورتی که پس از تشکیل عقد، موضوع معامله یا مورد تعهد، بدون تقصیر طرفین، از بین برود، تعهد ساقط می‌شود به شرط اینکه عدم امکان اجرا مطلق و دائمی باشد (شهیدی، ۱۳۹۷: ۲۲۱؛ صفایی، ۱۳۹۷: ۳۱۸) در این صورت، قرارداد به صورت خودبه‌خود منتهی می‌شود. غیرارادی بودن انتفا اقتضا می‌کند که عمل حقوقی فارغ از هرگونه ابراز اراده طرفین یا ثالثی ساقط گردد (Pelletier, 327 : 2004). البته، برخی غیرارادی بودن انتفا را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند؛ «از این جهت که هر عدم نفوذی که به عمل حقوقی خلل وارد می‌کند، انتفای مداخله مؤثر قاضی را ایجاب می‌کند» (Chaaban, 2006: n° 509 et s). به‌زعم برخی دیگر، انتفا به صورت قهری روی می‌دهد (Foliers, 1998 : 53) و نیازی به تصمیم و اعلام آن از طرف قاضی نیست و خودبه‌خود است (Bros, 776 : 2016; Ghestin et al.: 975). منطقاً، هر شخص ذی‌نفع می‌تواند برای برخورداری از مزایای انتفا اقدام نماید^۲. غیرارادی بودن انتقاء که مورد استقبال اکثریت حقوق‌دانان فرانسه قرار گرفته، به لحاظ ثبوتی نقش قاضی را در انتفای قرارداد از بین می‌برد. با این همه، طبیعی است که چنانچه انتفا محل مناقشه باشد، چاره‌ای جز مراجعه به دادگاه نیست و طبعاً در این حالت نیز، رأی صادره اعلامی^۳ خواهد بود. همان‌گونه که در تلف موضوع اشاره شد، مواد فراوانی در قانون مدنی ما وجود دارد که به انحلال قهری عقد در صورت عدم اجرای قرارداد اشاره می‌کنند. نویسندگان ما هم قهری بودن بودن آن را پذیرفته‌اند. «قهری بودن انحلال در تمام مواردی که واژه «انفساخ» به کار برده می‌شود به

1. automaticité

۲. با این وجود، رأی شعبه سوم دیوان عالی فرانسه (Cass.3e civ., 12 févr. 2013, n° 11-22453) حکم کرد که «انتفای وعده بیع که ناشی از سپری شدن مهلتی که در آن، تمدید آن توسط سند رسمی پیش‌بینی شده، نمی‌تواند توسط ثالث مورد استناد قرار گیرد که حق این اقدام را نداشته است».

3. déclaratif

این معنی است که عقد، بدون اینکه نیاز به عمل حقوقی اضافی باشد، خودبه‌خود از بین می‌رود» (کاتوزیان: ۵/۱۳۹۵: ۳۴۲) بنابراین، انتفای قرارداد، برخلاف فسخ قرارداد، نیازمند اعمال اراده طرفین قرارداد یا یکی از آن‌ها نیست و انتفا همچون انفساخ در مباحث حقوق داخلی، با تحقق شرایط لازم، به‌صورت خودبه‌خود به انحلال قرارداد می‌انجامد.

۲-۱-۵. عدم قهقرایی: ^۱عدم امکان اجرای قرارداد

با فرض اینکه نتیجه عدم امکان اجرای قرارداد، پس از انعقاد آن، با انتفا توجیه گردد، در قانون مدنی ایران و فرانسه نص صریحی در خصوص قهقرایی یا عدم قهقرایی بودن انتفا مشاهده نمی‌شود. با این حال، مدت زمان مدیدی دکترین فرانسه تلاش می‌کردند، اثبات نمایند که انتفا اثر قهقرایی ندارد (Buffelan-Lanore, 1963: 161; Pelletier, 2004: 14; Garron, 2000, n° 221 et s) برخی هم در عقود مستمر، انتفا را ضمانت اجرای عدم امکان اجرای قرارداد و برای آینده دانسته‌اند که آثار گذشته عقد زیر سؤال برده نمی‌شود (Bénabent, 2021: 303). اما گرایشی نیز بر اثر قهقرایی انتفا وجود دارد (Seube, 2017, n° 79; Terré, et al, 2018: 170). اگر عدم امکان اجرا با انتفا توجیه شود، ماده ۱۱۸۷ که آثار انتفا را بیان می‌کند نیز مشکلات را برطرف نمی‌کند؛ ماده اخیر نیز مبهم است و ابهام از اینجا ناشی می‌شود که بند اول ماده بیان می‌کند «انتفا به عقد خاتمه می‌دهد»، آنچه از آن استنتاج می‌گردد قهقرایی بودن را از دامنه شمول خود خارج نموده است، و برای آینده منتفی می‌شود (Andreu et Thomassin, 2021: 178) ولی بند ۲ که در صورت انتفای عقد استرداد را تجویز نموده است، «انتفا ممکن است وفق شرایط مقرر در مواد ۱۳۵۲ تا ۹-۱۳۵۲ منتهی به استرداد گردد»، می‌تواند دلالت بر قهقرایی بودن داشته باشد. در این خصوص اگر به گزارش ارائه شده به رییس جمهور مربوط به مصوبه قانونی توجه شود مقرر می‌دارد: «با توجه به وضعیت‌های گوناگونی که در آن‌ها انتفا مورد استفاده قرار می‌گیرد، آثار می‌توانند در عمل برحسب تاریخی که در آن عنصر اساسی از بین می‌رود یا برحسب نوع قرارداد متفاوت باشند. پس مصوبه قانونی پیش‌بینی می‌کند که انتفا به عقد خاتمه می‌دهد، اما، در یک دغدغه خاطر عملی، مسئله قهقرایی بودن را حل و فصل نمی‌کند: در برخی از فروض قهقرایی را نفی نمی‌کند چون که انتفا می‌تواند به استرداد منتهی گردد. لذا این دادرسی است که متناسب با اوضاع و احوال هر مورد خاص باید مناسب بودن عطف بامسابق را ارزیابی کند».

قانون مدنی ما هم در خصوص قهقرایی یا عدم قهقرایی عدم امکان اجرای قرارداد ساکت است ولی نویسندگان به درستی اذعان نموده‌اند که اثر انحلال قرارداد ناظر به آینده است (کاتوزیان،

۱۳۹۵/۵: ۱۲). به دلایل عقلی و با استمداد از دکترین، می‌توان به نتایجی دست یافت؛ اولاً آثار عقدی را که به صورت معتبر منعقد شده و دارای اثر حقوقی کامل بوده و متعاقدين در عدم امکان اجرای آن قصوری مرتکب نشده‌اند و به صورت خودکار منتفی شده است، نمی‌توان به گذشته سرایت داد و همان‌گونه که برخی از استادان بیان نموده‌اند «اثر انحلال قرارداد در گذشته امری است خلاف ظاهر و استثنایی» (کاتوزیان، ۱۳۹۵/۵: ۳۴۸). ثانیاً، از یک طرف، قهقرایی بودن عدم امکان اجرای قرارداد با طبیعت قراردادهای مستمر که در حال اجرا هستند، سازگاری ندارد و از طرف دیگر، قهقرایی دانستن عدم امکان اجرا می‌تواند زمینه را برای آسیب رساندن به حقوق اشخاص ثالث فراهم سازد و با اصل لزوم قراردادها هم ناسازگار به نظر می‌رسد. بدین ترتیب، هیچ دلیلی وجود ندارد، عقدی که به صورت معتبر منعقد شده است آثارش به گذشته سرایت کند. با این حال، رویه قضایی به طور استثنایی پذیرفته است که انتفا ممکن است در فروضی که در آن، به نحوی، آثار گذشته و آینده عقد تجزیه‌ناپذیر باشند، عطف بماسبق گردد (Houtcieff, 2020: n° 596).

۲-۵. اثر مادی عدم امکان اجرای قرارداد

در صورتی که موضوع تعهد پس از تشکیل عقد از بین برود، به ویژه در موردی که موضوع تعهد مربوط به آینده است؛ اگر متعهدله تمام یا بخشی از ثمن یا برای مورد معامله را یا مبلغی به عنوان بیعانه به متعهد پرداخت کرده باشد، در صورت عدم امکان اجرای تعهد به خاطر از بین رفتن موضوع، سرنوشت مبالغ پرداختی باید روشن گردد. در صورت عدم امکان اجرای قرارداد، بدون تقصیر طرفین، تعهد ساقط می‌شود از یک سو، مطابق قواعد عمومی و مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ قانون مدنی استرداد آن را مطالبه نماید (مقدم، ۱۴۰۰: ۲۷۰) و از طرف دیگر، از آنجا که سبب پرداخت وجود تعهد بوده است و تعهد از بین رفته است ایفای ناروا بوده است، باید مسترد شود. رویه قضایی فرانسه، قبل از بازنگری ۲۰۱۶ پذیرفته بود که انتفای قراردادی که اجرا شده، موجب تعهد استرداد می‌شود. مبنای این استردادها مبهم مانده بود، که بازنگری به در بند ماده ۱۱۸۷ به آن مبنای قانونی بخشید (Epstein, 2018: 169). که مطابق بند اخیر، انتفای عقد می‌تواند منتهی به استرداد مطابق مقررات مقرر در مواد ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۲-۹ گردد. علیرغم اینکه اثر انتفا برای آینده است و خدشه‌ای به اعمال حقوقی گذشته وارد نمی‌کند. با این وجود، اتفاق می‌افتد که آن منتهی به استردادها به صورت عطف بماسبقی گردد (Fages, 2021: 195) ممکن است که یکی از قراردادهای از قبل اجرا شده باشد برای نمونه، اگر کل

1. Cass. com, 2 juillet 1974, n° 73-11.530, Bull., IV, n°212 ; Cass. 3e civ. 24 mai 1989, n°87- 18.919, Bull., III, n° 119.

2. Cass. com., 15 nov. 2005, n° 04- 16416: Bull. civ. IV, n° 227, p. 246; Cass. Com., 5 juin 2007, n° 04- 20380: Bull. civ. IV, n° 156; Cass. 1er civ., 19 sep. 2007, n° 06-10884.

اجاره بها برای کل مدت عقد اجاره از قبل پرداخت شده باشد، در صورت که در حین عقد اجاره، موضوع آن به صورت کلی از بین برود، مطابق بند اخیر ماده ۱۱۸۷ می توان برای بقیه مدت که عقد اجاره منتفی شده، مبالغ پرداختی را مسترد کرد.

۶. تلاش های قانون گذار در حفظ قرارداد

مراقبت از قرارداد شکل یافته و حقوق برآمده از آن هم برای متعاقدين و هم اشخاص ثالث ضروری است که مقنن به آن توجه داشته است. بر پایه اصل لزوم و توافقات خصوصی، اصل صحت، اصل لزوم وفای به عهد هم مقنن فرانسوی و هم مقنن ایرانی تلاش لازم در حفظ قرارداد و مراقبت از آن در برابر رخدادهای ناگوار نمودند (مواد ۲۲۰، ۲۱۹ و ۱۰ قانون مدنی ایران). منتفی شدن قرارداد و بازگشت آثار آن استثنا بر اصل است و از این رو نباید به صرف رخداد پیش بینی نشده یا هر حادثه ای رابطه شکل یافته را برهم زد و پیامدهای ناگوار را بر اطراف قرارداد و حتی دیگران وارد ساخت.

۶-۱. وضع نهاد خسارت و جبران زیان متعهدله

یک گزینه مطلوب برای حفظ قرارداد و ادامه آثار آن اختیار دریافت خسارت از سوی متعهدله است. قانون گذار ایران تلاش کرده بدین وسیله از منتفی شدن قرارداد و زیان بیشتر طرفی که با حسن نیت در پی ایفای تعهد خویش و ثمربخشی قرارداد است، جلوگیری کند. ماده ۲۲۱ قانون مدنی با توجه به خسارت ناشی از عدم اجرای قرارداد، ماده ۲۳۰ قانون مدنی با شناسایی و مشروعیت بخشی ضمانت اجرای قراردادی و ماده ۳۸۴ قانون مدنی با دو گزینه اعمال فسخ و مطالبه مابه التفاوت قیمت موجود مبیع با قیمت مقدار فروخته شده آن برای مشتری، از جمله این تکاپو برای صیانت از قرارداد است.

۶-۲. تغییر وضع در موضوع تعهد و اطراف آن

مبحث تبدیل تعهد و پیشنهاد گزینه هایی چون: تبدیل تعهد جایگزین به جای تعهد اصلی (بند ۱ ماده ۲۹۲ قانون مدنی)، تبدیل مدیون و دخالت ثالث برای ایفای تعهد مدیون اصلی (بند ۲ ماده ۲۹۲ قانون مدنی) و انتقال نتایج تعهد از سوی متعهدله به شخص ثالث (بند ۳ ماده ۲۹۲ قانون مدنی) تلاش های دیگری است که قانون گذار در مسیر مراقبت از قرارداد اصلی و صیانت از آن در برابر انتفا برگزیده است. در موارد دیگری تعهد از نوع: تبدیل دین، تبدیل داین و مدیون، فقط نتایج اصلی دچار دگرگونی می شود و تبعات تعهد در گونه تضمینات سابق انتقال نمی یابد و انتقال آن منوط به توافق صریح و دوباره طرفین است.

۶-۳. حضور ثالث در قلمروی اجرا برای جریان حکم و تعهد

هنگامی که قرارداد و رابطه حقوقی معتبر به دخالت قضایی می شود، حکمی پیرامون آن صادر

می‌گردد، در این مقام توجیه نتیجه‌بخش آن اهمیت دوچندانی می‌یابد. هم قرارداد صحیح و معتبر و حقوق خصوصی اطراف آن در گرو حمایت و لزوم اجرای قرارداد قرار دارد و هم تصمیم قضایی که واجد ارزش است و اعتبار والای آن مستلزم ظهور خارجی است.

قانون‌گذار پایش بین ساز مخالف متعهد (و محکوم) یا عدم امکان اجرای آن از ناحیه محکوم‌علیه به دلایل غیر از استتکاف و میل شخصی، راه ورود ثالث برای اجرا را فراهم ساخته است تا بدین وسیله اهتمام خود در تحقق یک قرارداد مشروع و معتبر را نشان دهد. ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی در این باره متذکر می‌شود: «هرگاه محکوم به انجام عمل معین باشد و محکوم‌علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن باشد محکوم‌له می‌تواند تحت نظر دادورز (مامور اجرا) آن عمل را بوسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند یا بدون انجام عمل هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از محکوم‌علیه مطالبه نماید. در هر یک از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه را معین می‌نماید. وصول هزینه مذکور و حق الزحمه کارشناس از محکوم‌علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم‌به نقدی مقرر است. تبصره: در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده ۷۲۹ (قانون) آیین دادرسی مدنی انجام خواهد شد»^۱.

نتیجه

پس از انعقاد عقد، ممکن است، به دلیل تلف مادی موضوع آن یا بلحاظ غیرقانونی شدن آن، یا در مواردی که تعهد مربوط به مال آینده باشد امکان اجرای آن از بین برود. در همه این فروض، اجرای قرارداد غیرممکن می‌شود. مصوبه ۲۰۱۶ که در ماده ۱۱۸۶ به انتفاء عقد بخاطر زوال یک «عنصر اساسی» تاکید کرده، از این پس می‌تواند به فرضیات گوناگون «عدم امکان اجرای موضوع قرارداد» که یکی از عناصر اساسی از عقد است، انتظام بخشد و قراردادهایی که اجرای آن‌ها به خاطر از بین رفتن موضوع غیرممکن شده را منتفی کند.

سرنوشت عقد در صورت عدم امکان اجرای موضوع آن در حقوق ما هم روشن نیست، در عقود مستمر، بطلان و انفساخ؛ در عقود آنی مانند بیع فسخ و منفسخ شدن مطرح شده است. اما آنچه از بررسی مواد و متون قانونی، نظریات دکترین و رویه قضایی استنباط می‌شود، صرف‌نظر از اصطلاحات و واژه‌هایی که در قانون مدنی هر دو کشور به کار رفته است، همه فروض حول محور

۱. ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق تأسیس بسیار مطلوبی بود که در قانون جدید نیامده و نسخ گردیده است. این تأسیس می‌توانست با پیش‌بینی ضرر و زیان اجرای احکام مدنی را به نتیجه لازم برساند.

انتفا هستند که انتفا امکان یکنواخت نمودن راه‌حل‌های ناهمگون پیشین را فراهم می‌سازد. پذیرش یک نظریه منسجم در حقوق ما هم ضروری است.

تعهد به مال آینده به صراحت در قانون فرانسه پیش‌بینی شده است. در صورت از بین رفتن موضوع تعهد نسبت به مال آینده، ضمانت‌اجرای‌های بطلان، فسخ و انتفا مطرح شده است. در قانون مدنی ما، بیع مال آینده تصریح نشده است ولی دکترین به پذیرش آن تمایل دارند و رگه‌های از پذیرش آن در مقررات ما هم مشاهده می‌شود. در صورت عدم امکان اجرای موضوع تعهد در مال آینده، انتفا در مقایسه با بطلان و فسخ می‌تواند ضمانت‌اجرای مناسبی برای سازماندهی آن باشد.

در صورتی که عدم امکان اجرای قرارداد به صورت مطلق و دائمی باشد، قرارداد، به صورت خودکار و عدم عطف به‌ماسبقی منتفی می‌شود. از آنجا که قرارداد به صورت خودکار منتفی می‌شود، متعاقدين نیازی برای مراجعه به دادگاه ندارند و در صورت بروز اختلاف لاجرم باید مراجعه نمایند. قاضی صرفاً می‌تواند انتفا را تأیید نماید و حق تعدیل قرارداد را ندارد و رأی صادره اعلامی خواهد بود.

در فرض عدم امکان اجرای قرارداد، ممکن است که مسئله استردادهای احتمالی مطرح شود. در این خصوص ایجاب می‌کند که بین فرضیات گوناگون تفکیک صورت گیرد. در صورتی که تلف مورد معامله در عقود مستمر رخ دهد، اجرای قرارداد برای آینده متوقف می‌شود و مشکلی از این بابت پیش نخواهد آمد. اگر مورد تعهد مال آینده باشد و طلبکار بیعانه یا بخشی از ثمن را پرداخت نموده باشد، در صورت عدم امکان اجرای قرارداد متعهد موظف به استرداد مبالغ پرداختی می‌باشد. این استردادهای احتمالی خدشه‌ای به عدم قهقرایی اثر انتفا وارد نمی‌کند.

برای رفع برخی ابهامات در صورت عدم امکان اجرای قرارداد و توجیه آن با انتفا پیشنهاد می‌شود مقنن ما، در بازنگری قانون مدنی، مبحثی را به انتفا اختصاص دهد که ضمن تعریف انتفا، نظام حقوقی و مادی آن را هم مشخص کند. همین‌طور، در اندیشه‌های حقوقی عناوینی چون؛ تلف موضوع قرارداد، نقص و عیب مهم موضوع تعهد، رخداد اثرگذار چون فوت واهب و متهب و ... در یک چهارچوب مشخص به نام «انتفای قرارداد» انتظام یابد. این بحث سازماندهی شده می‌تواند برای قضات راهگشا بوده و رویه قضایی را هم به سوی کمال به نحو بهتر هدایت کند.

منابع

فارسی

- آقاخانی، ابوالفضل (۱۴۰۰)، «مفهوم و قلمرو تلف حکمی موضوع عقد با نگاهی به نظام حقوقی انگلستان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۶.
- امامی، سیدحسین (۱۳۹۵)، حقوق مدنی، ج اول، چ ۳۷، تهران: اسلامیه.
- امینی، منصور (۱۳۸۹)، «نابرابری موقعیت اقتصادی فروشنده و خریدار در عقد بیع»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۵۲.
- برادران، لیلیا (۱۳۸۵)، «موارد انحلال قرارداد بیمه»، پژوهشنامه بیمه، سال ۲۱، شماره ۱.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۴)، کلیات عقود و قراردادها، چ ۳، تهران: میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵)، مجموعه محشی قانون مدنی، چ ۵، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج ۱، تهران: گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، وب سایت [https:// www.Ghaemiyeh.com](https://www.Ghaemiyeh.com)، ناشر دیجیتالی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۵ [الف])، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱، چ ۱۲، تهران: مجد.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۵ [ب])، آثار قراردادها و تعهدات، ج ۳، چ ۷، تهران: مجد.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۳)، اصول قراردادها و تعهدات، ج ۲، چ ۶، تهران: مجد.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۷)، سقوط تعهدات، ج ۵، چ ۱۲، تهران: مجد.
- شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۰)، حقوق قراردادها، چ ۴، تهران: سمت.
- صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۹۰)، تغییر در شرایط قرارداد، چ ۳، تهران: میزان.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۷)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چاپ چ ۲۹، تهران: میزان.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۵)، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چ ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، حقوق مدنی: اعمال حقوقی، چ ۷، شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵ [الف])، نظریه عمومی تعهدات، چ ۸، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، چ ۱۰، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، چ ۱۰، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، حقوق مدنی: دوره عقود معین، ج ۱، چ ۷، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۷)، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چ ۵۷، تهران: میزان.
- مقدم، عیسی (۱۴۰۰)، «جایگاه داراشدن ناعادلانه با استفاده بدون جهت در حقوق تجارت با تاکید بر رویه قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۵.
- نهرینی، فریدون (۱۳۹۵)، فسخ قرارداد با نگاهی به رویه قضایی، پنجم، تهران: گنج دانش.
- نیکیخت، حمیدرضا (۱۳۷۶)، «آثار قوه قاهره و انتفاء قرارداد»، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۱۵، شماره ۲۱.

فرانسه

- Ancel, F et Fauvarque-Cosson B. (2019), Le nouveau droit des contrats, Guide bilingue à l'usage des praticiens, L.G.D.J.
- Andrué, L et Thomassin, N. (2021), Cours de droit des obligations, 6e éd., Lextenso.
- Bénabent, A. (2021), Droit des obligations, 19e éd., L.G.D.J.
- Bros, S. (2016), « Les contrats interdépendants dans l'ordonnance du 10 février 2016 », La semaine juridique – édition général, p. 975.
- Buffelan-Lanore Y. (1963), Essai sur la notion de caducité des actes juridiques en droit civil, thèse (préf. Hébraud (P.)), L.G.D.J.
- Cadiet, L et Leborgne, F. (2016), Art. 1598 - Fasc. unique : vente. – Choses pouvant être vendues. – Généralités, JurisClasseur Civil Code.
- Catala, P. (2011), L'art de la traduction l'accueil international de l'avant-projet de réforme du droit des obligations, éd., Panthéon-Assas : sous la direction de Pierre Catala L.G.D.J.
- Chaaban, R. (2006), La caducité des actes juridiques, étude en droit civil, thèse, L.G.D.J.
- Carbonnier, J. (2000), Droit civil, t. 4. Les obligations, 22e éd., P.U.F.
- Cornu, G. (2022), Vocabulaire juridique, 14e éd, P.U.F.
- Deman, M et Julian, M. (2019), Guide de l'anglais des contrats d'affaires, 2e éd., LexisNexis.
- Deshayes, O et Genicon, T et Y.-M. Laithier, Y.-M. (2018), Réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations, Dalloz.
- Dissaux, N et Jamin, CH (2015), Projet de réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations, Dalloz.
- Epstein, A.-S. (2018), « La caducité », La réforme du droit des contrats-Commentaire article par article, (dir.) DOUVILLET, 2e éd. Gualino.
- Fages, B. (2021), Droit des obligations, 11e éd., L.G.D.J.
- Foriers, P.-A. (1998), La caducité des obligations contractuelles par disparition d'un élément essentiel à leur formation .De la nature des choses à l'équité, de l'impossibilité au principe de l'exécution de bonne foi, thèse, Bruylant.
- Garron, F. (2000), La caducité du contrat (étude de droit privé), thèse, d'Aix-Marseille.
- Ghestin, J et Loiseau, G et , Serinet Y.- M. (2013), La formation du contrat, t. 2., 4e éd., L.G.D.J.
- Houtcieff, D.(2020), Droit des obligations, 5e éd., Bruylant Bruxelles.
- Larroumet, C et Bros, S. (2018), Traité de droit civil., les obligations, t. 3, le contrat, 9e éd., Economica.
- Malaurie, PH et Aynès, L et Stoffel-Munck, PH (2020). Droit des obligations, 11e éd, L.G.D.J.
- Malinvaud, Ph et Mekki, M et Seube J.-B. (2021), Droits des obligations, 16e éd. Lexis Nexis.
- Mazeaud (H., L. et J.) et Chabas, F. (1987), Leçons de droit civil, t.3, 2e vol., principaux contrats : vente et échange, par M. de Juglart, 7e éd., Montchrestien.
- Mignot, M (2017). « Commentaire article par article de l'ordonnance du 10 février 2016 portant réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations », Les petites affiches, 22 mars.
- Mouial Bassilana, E et Racine, J.-B. (2018), Contrat. – Contenu du contrat : objet du

contrat, JurisClasseur Civil Code > Art. 1162 à 1171.

- Mousseron, J.- M. et Mousseron, P. et ,Raynard, J. et Seube, J.-B.(2010), Technique contractuelle, 4e éd, , Francis Lefebvre.
- Mousseron, J.-M, et. Seube, J.-B (1973), «A propos des contrats d'assistance et fourniture », Dalloz, p.197.
- Puig, P. (2019), Contrats spéciaux, 8e éd., Dalloz.
- Pelletier, C. (2004), La caducité des actes juridiques en droit privé français, thèse, L'Harmattan.
- Picod, Y. (2019), Nullité, Répertoire de droit civil.
- Planiol, M et Ripert, G (1931), Obligations, t. 7, par Esmein, P, 2e éd., L.G.D.J.
- Raynard, J et Seube, J.-B. (2019), Droits des contrats spéciaux, 10e éd., LexisNexis.
- Ripert, G et Boulanger, J.(1957), Traité de droit civil, t. 2, obligations, L.G.D.J.
- Roland, H (2016), Lexique des expressions latines, 7e éd. LexisNexis.
- Séjean, M. (2020), French civil code, Code civil français, english-french-arabic, éd., LexisNexis.
- Seube, J.-B. (2017), Art.1186 et 1187- Fasc. unique : « Contrat.- caducité du contrat », 20 février, JurisClasseur Code civil.
- Starck, B et Roland, H et Boyer, L. (1998), Droit civil- Obligations, t. 2, contrat, 6e éd., Litec.
- Terré, F. et Simler, PH. et Lequette, Y. et Chenede, F. (2018), Les obligations, 12e éd., Dalloz.
- Tirel, M. (2018), L'effet de plein droit, thèse, Dalloz.